



ماهیت فقهی و حقوقی حریم خصوصی در ایران

علی آقاجانی^۱

محمدعلی حیدری^{۲*}

محسن فهیم^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

چکیده

این پژوهش به بررسی ماهیت، ابعاد و قلمرو مفهوم حریم خصوصی در دو چارچوب فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران می‌پردازد. روش بررسی از نوع تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شد. از منظر فقهی، اگرچه مفهوم مدرن «حریم خصوصی» به صورت صریح در متون کلاسیک فقهی ذکر نشده، اما شریعت اسلام از طریق احکام سلبی متعددی به حمایت از قلمرو خصوصی افراد پرداخته است. با این حال، مقاله استدلال می‌کند که این ادله عمدتاً جنبه‌ای تکلیف‌محور و اجتماعی دارند و نه حق‌محور، و استنباط یک «حق» مثبت و اسقاط‌پذیر برای فرد از آنها را با چالش مواجه می‌سازد. همچنین، اصل بنیادین «حاکمیت» و تقدم مصالح عمومی در فقه امامیه، در موارد متعددی حریم خصوصی را محدود ساخته و امکان شکل‌گیری حقی مطلق را زیر سؤال می‌برد. در سطح حقوق موضوعه ایران، حمایت از حریم خصوصی در اصول پراکنده‌ای از قانون اساسی و قوانین عادی پیش‌بینی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد نظام حقوقی ایران به این مقوله، غیرمنسجم، موردی و واکنشی است و فقدان یک قانون جامع و پیشگیرانه که به تعریف دقیق حریم خصوصی، تعیین حدود آن، ضمانت‌اجراهای مؤثر و ایجاد نهادهای ناظر مستقل بپردازد، خلأیی جدی محسوب می‌شود. این پراکندگی به‌ویژه در تقابل با فناوری‌های نوین نظارتی و اختیارات گسترده دولت، منجر به تعارضات عملی میان حقوق فردی و مصالح عمومی شده است. این پژوهش در نهایت نتیجه می‌گیرد که تلفیق مبانی فقهی با اصول حقوق مدرن و تدوین یک قانون جامع، ضروری‌ترین راهکارها برای تقویت حمایت از حریم خصوصی در ایران است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، فقه اسلامی، حقوق ایران، ماهیت.

^۱ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول):

Ma1.heidari@yahoo.com

^۳ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۱. مقدمه

حریم خصوصی، به عنوان یکی از ارکان کرامت انسانی و خودمختاری فرد، در پرتو انقلاب فناوری‌های دیجیتال با چالش‌ها و تهدیدات بی‌سابقه‌ای مواجه شده است (فنگ و گانگ^۱، ۲۰۲۰: ۲۹۹). در یک نگاه، حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی شخصی افراد قلمداد شده است که برای آن اهمیت و حرمت بسیاری قائل هستند و نقض و تعرض به آن را برنمی‌تابند (انصاری، ۱۳۹۸: ۳۸). توانایی دولت‌ها و نهادهای خصوصی در جمع‌آوری، پردازش و تحلیل انبوه داده‌های شخصی، مرزهای سنتی حریم خصوصی را دگرگون ساخته و ضرورت بازتعریف و تقویت حمایت‌های حقوقی از آن را دوچندان کرده است (سگرین و فلورا^۲، ۲۰۱۸: ۴۷).

در نظام حقوقی ایران، حمایت از حریم خصوصی بر دو پایه‌ی فقه اسلامی و قوانین موضوعه استوار است. از منظر فقهی، اگرچه مفهوم مدرن «حریم خصوصی» به صورت صریح ذکر نشده، اما شریعت اسلام احکام سلبی متعددی چون نهی از تجسس (آیه ۱۲ سوره حجرات)، استراق سمع، غیبت، ورود بدون اذن به منازل (آیه ۲۷ سوره نور) و هتک حرمت اشخاص، به طور غیرمستقیم به حمایت از قلمرو خصوصی افراد پرداخته است. مسأله‌ی اساسی در اینجا، امکان استنباط یک حق مثبت و اسقاط‌پذیر برای فرد از این احکام سلبی است. به عبارت دیگر، آیا این نواهی صرفاً تکالیفی برای دیگران ایجاد می‌کنند یا می‌توانند مبنایی برای حق فرد بر حریم خصوصی باشند؟ این پرسش، یکی از کلیدی‌ترین مباحث نظری این پژوهش است.

در سطح حقوق موضوعه، اصولی از قانون اساسی (به ویژه اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۹ و ۴۰) و قوانین پراکنده‌ای چون قانون مجازات اسلامی، قانون جرائم رایانه‌ای و قانون احترام به آزادی‌های مشروع، به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند. با این وجود، رویکرد نظام حقوقی ایران به این مقوله، غیرمنسجم، موردی و واکنشی است. فقدان یک قانون جامع و پیشگیرانه که به تعریف دقیق حریم خصوصی، تعیین حدود آن، ضمانت‌اجراهای مؤثر و ایجاد نهادهای ناظر مستقل بپردازد، خلأیی جدی محسوب می‌شود. این پراکندگی به‌ویژه در تقابل با فناوری‌های نوین نظارتی و اختیارات گسترده‌ی دولت در مواردی مانند نظارت بر ارتباطات (ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری)، منجر به تعارضات عملی بین «حقوق فردی» و «مصلح عمومی» شده است.

^۱ Fang & Gong

^۲ Segrin & Flora

در همین راستا، مسأله‌ی اصلی این پژوهش بررسی و تبیین چیستی، ماهیت، ابعاد و قلمرو مفهوم حریم خصوصی در چارچوب‌های فقه و حقوق ایران است. این پژوهش به دنبال فرضیه‌ی "حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران دارای ماهیت مشخص است" به پاسخگویی به سوالاتی از قبیل: حریم خصوصی چه جایگاهی در متون فقهی دارد؟، آیا احکام سلبی در فقه می‌تواند مبنای حقوق فردی و حمایت قانونی از حریم خصوصی باشد؟ و همچنین، حقوق موضوعه چگونه اصول و قوانین موجود حریم خصوصی را تعریف و حمایت می‌کند؟. از همین رو، هدف نهایی این پژوهش ارائه‌ی دیدگاهی مشخص و جامع درباره‌ی ماهیت، حدود و راهکارهای تقویت حمایت‌های حقوقی و فقهی در مقابل چالش‌های معاصر در زمینه‌ی حریم خصوصی است.

۲. مبانی فقهی حریم خصوصی؛ تحلیل ادله

جهت اثبات حریم خصوصی به مؤلفه‌های مختلفی اشاره شده است؛ اما دقت در مضامین، ادله و مناط این احکام نمی‌تواند یک اصل کلی به نام حریم خصوصی را اثبات نماید. برای مثال، اگر مناط نهی تجسس را صرف تأثیرگذاری این عمل بر روی شخص متجسس‌عنه بگذاریم، می‌توانیم نتیجه به وجود حریم خصوصی برای افراد و نهی از تجسس در آن بگیریم؛ لیکن، در نهی مذکور صرفاً نمی‌توان مناط حکم را در متجسس‌عنه دانست، بلکه می‌توان گفت: علت نهی از تجسس شکل‌دهی ملکه‌ی نفسانی و اثرات اجتماعی آن در شخص تجسس‌کننده است. بدین ترتیب، اگر افراد جامعه‌ی انسانی در نوع تعاملاتی که در سطوح مختلف زیست جمعی خود دارند، عورات و عیوب یکدیگر را با تجسس و کنکاش بی‌مورد افشا کنند، در روند عادی حیات انسانی اختلال ایجاد می‌شود. برای مثال، در مورد حرمت سوءظن به آیه‌ی شریفه ۱۲ سوره‌ی حجرات^۱ استناد شده است، در حالی که این آیه و مجموعه روایاتی که دستور به حسن ظن می‌دهند، درصدد اثبات حریم خصوصی برای اشخاص نیستند، بلکه می‌خواهند یک الگوی رفتاری برای تعامل اجتماعی تعریف نموده و روابط اجتماعی را تسهیل بخشند. به همین دلیل، برخی علما در شرح این آیه و روایاتی که به حسن ظن سفارش نموده‌اند، تجسس را از ثمرات سوءظن دانسته‌اند؛ یعنی وقتی شخص سوءظن داشته باشد به دنبال تجسس می‌رود. بنابراین، این سوء رفتار در او باید کنترل و مهار شود.

^۱ "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ"

باید در نظر داشت که ظن منهی‌عنه در این آیه همان خواطر قلبی سوء در مورد شخص دیگری بدون اطمینان و یقین است؛ بنابراین، فقها معتقدند اگر انکشاف یقین و اطمینان صورت پذیرد، چنین سوء ظنی به غیر، بلا اشکال است. بر این اساس، نمی‌توان از این آیه برای اثبات حریم خصوصی برای دیگران استفاده نمود، چراکه حریم خصوصی و حرمت تجسس در آن نمی‌تواند معلق به علم باشد. بدین ترتیب که تا وقتی علم نداشته باشیم جواز تجسس و افشای حریم خصوصی دیگران وجود نداشته باشد؛ لیکن هنگامی که علم به «ماوَقَع» و «ماکان» پیدا شد، شاید جواز شکستن حریم خصوصی نیز صادر شود.

همانطور که اشاره شد کار ویژه‌ی نهی از سوءظن حفظ تعادل اجتماعی و تنظیم روابط فی‌ما بین مردم است، زیرا اگر بنای ارتباطات بشری بر سوءظن و نفی اعتماد عمومی باشد، هیچ شخصی نمی‌تواند با انعطاف و بسط خاطر نیات و اغراض خود را در ساحت جامعه اجرایی کند. بر همین اساس، دستور به حسن ظن از جمله احکام مهم شریعت اسلامی است. علت دیگری که می‌تواند دلالت این آیه بر اثبات حریم خصوصی را خدشه‌دار نماید، تعلیل پس از این آیه است که می‌فرماید: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». بدین ترتیب، اطلاقی که در ابتدا فرمود: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ» مقید شده و دلالت می‌کند که برخی از ظنون که انسان در مورد اشخاص و حریم شخصی آنها انجام می‌دهد، گناه نیست و شریعت اسلامی از باب «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» تأکید و دستور به اجتناب از ظن می‌کند. بر این اساس، بسیاری از احادیث و دستورات دیگری که نهی از سوء ظن نموده است، دلالتی بر نهی از کشف و اطلاع بر اسرار نداشته؛ بلکه صرفاً از سوءظن و خواطر قلبی ناپسند نسبت به دیگران نهی نموده است.

بر این مبنا، نمی‌توان برخی احکام موضوعاتی مانند: زنا، لواط، مساحقه، تفخیز، قذف، تعزیر، هتاک و سرقت را از مصادیق حریم خصوصی دانست و حکم آنها را جهت مقابله با شکستن حریم خصوصی تلقی نمود؛ زیرا به هیچ عنوان نمی‌توان اثبات نمود که تنها مناط این احکام مرتبط با کشف حریم خصوصی است. همچنین، دلیل دیگری که مخل استظهار حریم خصوصی از این احکام است این بوده که رضایت قلبی و شخصی طرفین احکام، دلیل حرمت ارتکاب فعل نمی‌شود؛ زیرا حکم صرفاً به خاطر حریم خصوصی بوده و با رضایت صاحب حریم باید بخشیده می‌گردد؛ پس، چنین اتفاقی نمی‌افتد و این دال بر نفی علت تام بودن حفظ حریم خصوصی در جعل چنین احکامی است. بنابراین، به طریق اولی نمی‌توان اصلی به مثابه‌ی حریم خصوصی که بتواند ایجاباً جعل حکم نماید از احکام مذکور استنباط نمود (ساریخانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸۱).

۱-۲. نفی دلالت التزامی بین حقوق مذکور و تکالیف مدعایی

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حریم خصوصی و لزوم حفظ آن توسط غیر، حق صاحب حریم است که قابل چشم‌پوشی است یا تکلیف غیر است که ولو با چشم‌پوشی صاحب حریم نمی‌توان آن را مدنظر قرار نداد؛ مانند حق غیبت که با اجازه‌ی غیبت‌شونده جواز غیبت برای شخص غیبت‌کننده صادر نمی‌شود. بر این اساس، باید توجه کرد که آیا دلالت معنایی حق و حکم، ادعای اصل حریم خصوصی و استنباط آن از احکام مذکور جزو حقوق مکلفین است یا تکالیف آنها و آیا با اثبات یکی از طرفین می‌توان طرف دیگر را اثبات نمود یا خیر؟ حق در ادبیات فقهی دلالت معنایی متفاوتی نسبت به دیگر قرائت‌های دینی دارد. برخی از فقها حق را به معنای سلطنت قلمداد نموده‌اند و سلطنت را نیز به قید اعتباری از سلطنت تکلیفی منفک نموده‌اند. در این تعریف از حق در فقه، سلطنت منحصر به جواز فسخ و امضا یا جواز ملکیت مشتری در حق شفعه و مانند آن نمی‌شود (غروی اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱/ ۱۰).

تعریف شیخ انصاری (۱۳۸۲: ۳/ ۹) از حق: «حق عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحتی را برای خود به دست آورد». حق در ادبیات فقهی غلبه‌ی معنایی به «سلطه» و «سیطره» دارد. برخی، حق را مرتبه‌ی ضعیفی از ملکیت و نوعی از سلطنت قلمداد نموده‌اند، زیرا حق یا متعلق به عین است مانند حق تحجیر و حق رهانه و حق طلبکاران بر ترکه‌ی میت و یا متعلق به غیرعین است مانند سلطنتی که در حق الخيار که متعلق به عقد است، وجود دارد و یا سلطنت بر شخصی است مانند حق قصاص و حق حضانت. بنابراین، صاحب حق مالک چیزی است که مسئولیت آن بر عهده‌ی او است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/ ۳۵۵). سلطه‌ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیء، جعل و اعتبار می‌شود. به عبارت دیگر، حق، توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کسی اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی می‌تواند در آن چیز یا کس تصرفی نموده یا بهره‌ای برگیرد (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶: ۱۷/ ۱).

قاعده‌ی تسلیط در فقه را می‌توان منبعث از این رویکرد دانست که به فرد اجازه می‌دهد در آنچه که ذی حق نسبت به آن محسوب می‌شود، دخل و تصرف نماید. در تعریف حکم آورده‌اند که: قابلیت اسقاط آن از ناحیه‌ی شخص وجود ندارد. همچنین، امکان نقل و انتقال آن به اسباب انتقال قهری و ارادی تعهد علیه آن وجود ندارد. بر این اساس، ماهیت حق لزوماً سلطنت است؛ بنابراین، مورد اختلاف است که متعلق آن عین است یا فعل؛ کما اینکه برخی تصریح بر این دارند که متعلق حق، فعل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۸)؛ و برخی فاصل بین حق و حکم را تعلق

حق به افعال دانسته در حالی که حکم به هر دو قسم افعال و اعیان متعلق می‌شود. دو خصوصیت و لازمه‌ی منفکه برای حق وجود دارد که می‌توان به الف) جواز اسقاط؛ بنابراین، تراضی اشخاص در اسقاط احکامی مانند ربا و غرر تأثیر در آن احکام ندارد و ب) جواز نقل (به واسطه‌ی ارث و...) اشاره کرد.

تعریف حکم نیز همان مجعولات شرعی است که به سه دسته‌ی احکام: احکام تکلیفی، احکام وضعی و ماهیات مختصره قابل تقسیم است. احکام تکلیفی آن دسته از مجعولات شرعی است که بدون واسطه، متعلق به افعال مکلفین می‌شود (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۹: ۴/۳۸۴)؛ اما احکام وضعیه آن دسته از مجعولات شرعی هستند که در ابتدا، متعلق به افعال نمی‌شوند؛ و همچنین، متضمن بعث و زجر نیستند. تقسیمات دیگری نیز برای حکم متصور است مانند احکام امضایی و تأسیسی. بر اساس تعریف و تلقی معنایی از حق و حکم و لسان ادله استظهار می‌شود که دستورات متعدد به عدم تجسس و دخالت بی‌مورد در امور یکدیگر نوعی ایجاد «حکم» برای شخص است و با توجه به اینکه اثبات حق بودن احکامی که از آنها استظهار اصل حریم خصوصی می‌شود، لازمه‌ی اثبات چنین حقی است در این تحلیل مشخص شد که از این احکام نمی‌توان اصل حریم خصوصی را به مثابه‌ی «حق» استنباط نمود؛ چراکه برخی از حقوق مسلم انسانی وجود دارد که فقه اجازه‌ی تصرف در آن را نمی‌دهد و به عبارت دیگر، ملکف، حق اسقاط آن را ندارد، مانند حق حیات که شخص ذی حیات اجازه ندارد با رضایت خود به آن پایان دهد. این درحالی است که حق حیات مانند دیگر حقوق فردی انسان است و انسان مبتنی بر قاعده‌ی تسلیط بر نفس خود و لوازم آن حق تصرف دارد؛ بنابراین، در فقه، «حکم» حرمت قتل نفس را بر حق تسلیط، حکومت دارد. لذا، با توجه به اینکه از خصوصیت حکم عدم امکان اسقاط آن است، فرد نمی‌تواند این فعل را مرتکب شود (همان: ۱۸).

۲-۲. نهی و نفی حکم تجسس دال بر حکم ایجابی نیست.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگری که می‌توان در نفی ثبوت حریم خصوصی به مثابه‌ی یک اصل مطرح نمود، عدم توانایی و ظرفیت ادله در اثبات حکم ایجابی در حریم خصوصی و نفی تصرف و دخالت در آن است. به عبارت دیگر، در صورتی که ادله‌ی مذکور در اثبات حریم خصوصی دال بر وجود یک اصل باشند، آن اصل صرفاً "نفی" است، نه اثباتی به این معنا که موضوعات ذی حکمی را که منجر به تجسس می‌شود نهی کرده و آن را حرام می‌پندارد؛ بنابراین، اثباتاً نمی‌تواند حکم جدیدی را تأسیس نماید؛ بر این اساس، ادله‌ی قوت و توانایی ایجاد اصل و حکم ایجابی را

ندارد، بلکه هر حکم و موضوع ذی حکمی که موجب تجسس شود، نفی خواهد کرد. این در حالی است که تلقی از اصل برای اثبات احکام ایجابی و جعل و تأسیس حکم است که چنین ظرفیت از توان ادله‌ی مدعی برای اثبات حریم خصوصی، خارج است.

در این صورت، نمی‌توان از ادله‌ی نهی از تجسس و... که صرفاً مجموعه‌ای از افعال وجودی را نهی می‌کند، حکم ایجابی استخراج نمود؛ بلکه، این ادله به صورت سلبی تمامی موضوعات و احکامی را که منجر به تجسس، افشاء سر، استراق سمع و ... می‌شود، سلب می‌کند. برای مثال، نمی‌توان با استناد به ادله‌ی تکلیفی نهی از تجسس و افشای سر، اصلی جعل نمود که ایجاباً حکم به وجوب تکلیفی بسنده کردن به اطلاعات عمومی افراد در استخدام‌های حکومتی و ... دارد. در این حالت، اگرچه حرمت تجسس در مسائل شخصی اشخاص جواز استراق سمع و کشف اسرار دیگران را نمی‌دهد، بنابراین، نمی‌توان با استناد به این ادله، اصلی را تصور نمود که دال بر حکم ایجابی است. همانطور که وقتی با استناد به قاعده‌ی "لاضرر" لزوم عقد کالای معیوب را بدون ارش، نفی می‌شود؛ لیکن، نمی‌توان اثبات تخیر با استناد به این اصل تخیر بین ارش و فسخ یا تعیین یکی از آنها را اثبات نمود، چراکه آنجا صرفاً حکم ضرری نفی می‌شود و لیکن، ایجاباً برای دفع ضرر نمی‌توان با استناد به ادله، حکمی را وضع نمود (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۲/ ۲۲۹).

۳. مالکیت مشاع در حیات اجتماعی

یکی از حقوق تکوینی انسان عبارت است از حقوق طبیعی که امر ثابت و دائمی و لازمه‌ی طبیعت انسان است. عمومیت زمانی و اطلاق دلالتی، از اصول و ویژگی‌های این حق طبیعی ذکر شده است. برخی، معتقدند: «مقتضای زیست طبیعی انسان انتخاب محل بی‌مانعی برای زندگی بوده و چون انتخاب مکان مزبور از هر جهت طبیعی بوده و از سوی دیگر، مسبوق به انتخاب شخص دیگر نبوده است، مکان انتخاب شده‌ی مزبور تعلق و اختصاص طبیعی به وی پیدا خواهد کرد» (حائری یزدی، ۱۴۰۳: ۹۶). این اختصاص همان مالکیت طبیعی اختصاصی است؛ زیرا «از نیاز طبیعی انسان به مکان و محیط زیست برخاسته است». و قاعده‌ی فقهی «هرکس به مکانی سبقت در تصرف جوید، او به آن مکان اولویت در اختصاص خواهد داشت» و یک قاعده کاملاً طبیعی است. باید توجه داشت در حقوق طبیعی، نفس حق، مجعول طبیعت نیست؛ بلکه مورد حق، مجعول طبیعت به جعل غایی است و این جهت اشتراک حق و مالکیت است (حائری یزدی، ۱۴۰۳: ۱۰۳).

پس از اینکه انسان به گستره‌ی زیست بوم بشری خود افزود با تعداد بیشتری از هم‌نوعان به زندگی اجتماعی ادامه داد. میان استفاده از مکان و امکانات اجتماعی که مالکیت مشاع بر آنها وجود دارد، تراحم منافع پیش آمده و مالکیت مشاع به همین معنای نفوذ و اشاعه‌ی مالکیت‌های شخصی در یکدیگر است و با مالکیت جمعی که یک پدیده‌ی وضعی و قانونی است، تفاوت دارد. (حائری یزدی، ۱۴۰۳: ۱۰۵). لذا، در عین حفظ مالکیت خصوصی افراد می‌توان گفت: بخش اعظمی از فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها تحت‌الشعاع حقوق اجتماعی افراد دیگر است که به سبب مالکیت مشاع مذکور پدید می‌آید. بر این اساس، باید به سمت جعل احکام اجتماعی رفت که بر احکام موجود، حکومت خواهند داشت. در مورد موضوع مورد بحث که اثبات حریم خصوصی توسط برخی ادله می‌باشد، می‌توان ضمن تضعیف ادله‌ای مانند حرمت تجسس، حرمت استراق سمع و... در اثبات اصل حریم خصوصی، بیان داشت: مالکیت مشاع اجتماعی نه تنها مانع از اثبات اصل کلی حریم خصوصی است، بلکه ادله جزئی مانند حرمت تجسس و ... را نیز مورد خدشه از فعلیت و تنجیز ساقط نموده و یا بر آنها حاکم شود.

یکی دیگر از وجوهی که می‌توان برای ایجاد حق جمعی برای مردم و نفی برخی حقوق خصوصی معارض بیان نمود، حق «شراکتی» است که مردم به جهت پرداخت مالیات‌های عمومی در اداره‌ی حاکمیت و اقتضائات آن به دست می‌آورد، مانند تعرض و هتک برخی حقوق فردی در جهت تأمین حقوق عمومی. «عموم ملت از جهت مالیاتی که برای اقامه‌ی مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند». ظاهراً مرحوم نائینی در اینجا نظر به نوعی عقد «شراکت» دارد (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۲). از طرفی دیگر، در اینکه آیا اصل اولی بر ولایت است یا عدم ولایت، بین فقه‌های اسلامی اختلاف نظر است. عده‌ای برآنند که اصل اولی عدم ولایت شخصی بر شخص دیگر است. برای مثال، شیخ انصاری (۱۳۸۲: ۹/۳). معتقد است: «ولایت، یکی از امور «مجموع» است و چون جعل ولایت نسبت به اشخاص، مسبوق به عدم است، لذا به اقتضای استصحاب، حکم به عدم ولایت می‌شود؛ مگر اینکه ولایت برای شخص خاصی به اثبات رسد».

جریان استصحاب عدم، درباره‌ی ولایت، در فقه کاربرد فراوانی دارد. برای مثال، «عدالت» درباره‌ی مردمی که امور حبسیه را عهده می‌گیرند، لازم دانسته شده است و چنین شرطی را به اقتضای «اصل» می‌دانند، یعنی با شک در ولایت فسّاق، به اصل عدم ولایت تمسک می‌شود. همچنین، درباره‌ی لزوم «رعایت مصلحت مولی‌علیه» با استناد به همین اصل گفته‌اند، چون ولایت در موارد فقدان مصلحت و غبطه، به اثبات نرسیده است؛ لذا، به اقتضای این اصل «که

احدی بر دیگری ولایت ندارد»، ولایت بدون غبطه، نفی می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۰۹/۳۸). باید دقت داشت فقها نخواسته‌اند با ارائه‌ی چنین اصلی، حکم قطعی عقل و نقل را درباره‌ی ضرورت ولایت نادیده گیرند، بلکه آنان، پس از اذعان به این (اصل اولی) و در حالی که درصدد تعیین گستره‌ی ولایت به لحاظ شخص ولی و به لحاظ اختیارات او بوده‌اند، به تأسیس اصل عدم ولایت پرداخته و «صاحبان ولایت» و «قلمرو سلطه» آنان را به حداقل کاهش داده و در موارد مشکوک، با استناد به اصل عدم، ولایت را منتفی تلقی کرده‌اند (اصل ثانوی)؛ از این رو، می‌توان به درستی حدس زد که اصل عدم ولایت، نقطه‌ی شروع و مبنای نخست آنان در باب ولایت نیست و نباید این اصل را به معنای بی‌اعتنایی به اهمیت و ضرورت امور عامه و تدبیر جامعه پنداشت؛ البته نمی‌توان انکار کرد که چنین موضوعی با توجه به اهمیت فوق العاده‌اش، مورد اهتمام شایسته و بایسته قرار نداشته است و کسانی که به خوبی آن را در جایگاه خود مورد بررسی قرار داده، بحث خود را از همین نقطه شروع کرده باشند. علامه طباطبائی نیز از جمله همان معدود کسانی است که در باب ولایت، به جای اثبات «اصل عدم ولایت» از اثبات «اصل ولایت» به عنوان اصلی که در عقل و فطرت ریشه دارد، شروع کرده است (خمینی، ۱۳۸۵: ۳/۲۲۴). مبتنی بر این دیدگاه اگر اصل اولی بر ولایت باشد در مواردی که شک در مورد حق داشتن یا نداشتن مولی علیه به وجود می‌آید، می‌توان اصل ولایت مولی را ثابت استصحاب نمود. لذا، اگر در مورد اثبات حریم خصوصی توسط ادله‌ی مذکور شک ایجاد شود با استصحاب اثبات اصل ولایت بر مولی علیه نه تنها اثبات حریم خصوصی رد می‌شود، بلکه ادله ثابت شده دیگر مانند حرمت تجسس، استراق سمع و... نیز در موارد مورد نیاز ملغی و یا ادله‌ی دیگر بر آنها حاکم می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۸۴/۱۸).

۴. ممنوعیت و محدودیت‌های حقوق مالکیت در فقه

در نظام حقوقی اسلام، مفهوم حریم خصوصی همواره در تقابلی پویا و گاه چالشی با اصل بنیادین حاکمیت قرار دارد. این اصل که بر تقدم مصالح عمومی جامعه و اختیارات حاکم اسلامی تأکید می‌ورزد، در موارد متعددی گستره‌ی حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌سازد. بررسی موارد از متون فقهی، که در ادامه می‌آید، به وضوح نشان می‌دهد که چگونه مصلحت و حفظ منافع جامعه می‌تواند به عنوان دلیلی برای ورود به قلمروی حریم خصوصی نامیده شود. این موارد، بستر مناسبی برای فهم عمق این تعارض و اختلاف نظرات فقها حول محور اصالت ولایت یا حریت فراهم می‌کند.

• تجارت:

صاحب وسائل الشیعه در کتاب خود روایتی^۱ را نقل می‌کند که در آن محدود کردن حقوق فردی شخصی به نام «حکیم بن حزام» آمده است (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۳۸۶/۱۷). عدم اجازه به تجارت جز در این شرایط نه تنها عمومیت نداشته، بلکه در نگاه اول برای شخص نیز نوعی محدودیت و در ادبیات حقوق معاصر نوعی تصرف در حریم خصوصی به حساب می‌آید؛ لیکن، در نظام حقوقی اسلام به جهت اصالت ولایت و تقدم آن بر نفوس و جان مسلمین^۲ دیگر نمی‌توان اصلی تحت عنوان حریم خصوصی جعل کرد؛ چراکه اگر مدعیان وجود اصل حریم خصوصی این موارد را به مثابه‌ی استثنائات این اصل بدانند باید آن را نه به عنوان استثنائات جزئی و معدود، بلکه تخصیص اکثر محسوب نمایند که قبح آن لایخفی است. لذا، یکی از چالش‌های مهمی که در موضوع حریم خصوصی وجود دارد همین تعارض آن با اصل ولایت است که البته اختلاف نظرات بسیاری بین فقها در این خصوص نمایان شده است.

• احتکار:

بسیاری از احکام فقهی امامیه پیرامون احتکار و اجبار محتکر به فروش اموال خود که تصرف در مال الغیر را نیز به همراه دارد، مصداق اختلال در نظام حقوق مالکیت فردی است؛ لیکن، در برخی موارد و شرایط خاص به حکم حاکم شرع می‌تواند انجام پذیرد (آملی، ۱۴۱۳: ۳۱۲/۱۲).

• حمی:

حمی به معنای چراگاهی است که حاکمان به حیوانات خود اختصاص می‌دهند و دیگران را از چرا در آن منع می‌کنند. در منابع روایی ما به طور متعدد به این موضوع اشاره شده است و بیان می‌دارد که پیامبر اکرم (ص) نیز این عمل را انجام می‌داده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۷۹)؛ و یا در موارد متعدد دیگر زمینه‌ایی را به افراد یا برای امور ویژه‌ای قراردادده‌اند (علامه حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۹/۳).

^۱ «مُحَمَّدُ الْقَاسِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَنْفَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ بَيْتِهِ: قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْذَنُ لِحَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ فِي تِجَارَتِهِ - حَتَّى ضَمِنَ لَهُ إِقَالَةَ النَّادِمِ وَ إِنْفَارَ الْمُتَسَرِّبِ وَ أَخَذَ الْحَقَّ أَفْيَؤُا وَ غَيْرَ وَافٍ»

^۲ «الْبَنِي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»

• تصرف در اموال شوهر بدون اذن او:

هند همسر ابوسفیان از شوهرش نزد پیامبر خدا شکایت کرد که او مردی است خسیس و نفقه‌ی من و فرزندانم را نمی‌پردازد، از این رو، مجبورم بدون اطلاع او از اموالش بردارم. حضرت فرمود: برای خود و فرزندان به مقدار متعارف بردار (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۶).

• لزوم گماردن جاسوسانی جهت نظارت:

از جمله مواردی که می‌توان جهت نفی اصل حریم خصوصی به آن استناد نمود، روایتی است که از امام رضا (ع)^۱ و امیرالمؤمنین (ع)^۲ در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر نقل شده و ایشان دستور به جعل جاسوسان و خبرچینان در راستای تأمین اهداف حکومتی داشته‌اند (آملی، ۱۴۱۳: ۱۲/۶۰).

• وجود عریف و نقیب در بین مردم:

از دیگر مواردی که برای نفی اصل حریم خصوصی می‌تواند مورد استناد واقع شود، وجود مقامات عریف و نقیب در دستگاه حکومتی معصوم (ع) می‌باشد. عریف به کسی گفته می‌شود که امور مردم یا عده‌ای از آنها را به عهده بگیرد که سرپرستی آنها در امور گوناگون به عهده‌ی او است، به نحوی که هرگونه تحرکی را که از جانب مردم سرزند یا هر اقدامی را که بخواهند انجام دهند، طی گزارشی به حاکم یا فرماندهی وقت می‌رساند. در این مورد می‌توان به روایاتی از جمله روایات ذیل اشاره نمود: «کان رسول الله... یتفق اصحابه و یسال الناس عما فی الناس: "پیامبر خدا (ص) پیوسته از احوال اصحاب خویش تفقد می‌کرد و از آنچه میان مردم می‌گذشت می‌پرسید» (ابن بابویه، ۱۴۱۸: ۳۱۸/۴).

^۱ «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْأَسْنَادِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا (ع) يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَاتَّهَمَهُ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ يَتَّقَاهُ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ»: «عبدالله فرزند جعفر در قرب الاسناد از ریان فرزند صلت گفت: از امام رضا (ع) شنیدم که پیامبر (ص) فرموده‌اند هنگامی که ارتشی را گسیل می‌دارید همراه فرماندهی آن یک فردی که به آن اطمینان دارید جهت تجسس از اخبار بگمارید»
^۲ «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَابْتِغَى الْعُيُونِ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ ، فَإِنْ تَعَاهَدَكَ فِي السَّرِّ لَأَمُورِهِمْ خَدَوْهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ ، وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ تَحَقُّطِ مِنَ الْأَعْوَانِ ، فَإِنْ أَخَذَ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَتِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا ، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْقُوَّةَ فِي بَذَرِهِ ، وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ ، وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ ، وَ قَلَدْتَهُ عَارِ التَّهْمَةِ : «به کارهای آنان (کارگزاران) رسیدگی کن و از میان افراد با صداقت و وفادار مراقبتی بر آنها بگمار؛ زیرا مراقبت نهانی تو در کارهای ایشان، آنان را به رعایت امانت و خوش رفتاری با مردم وای می‌دارد و با دقت مراقب دستیاران خویش باش و اگر یکی از آنان دست به خیانت گشود و گزارش‌های همه مراقبات آن را تأیید کرد، همان گزارش‌ها را شاهد بگیر و بی‌درنگ او را کیفر جسمانی ده و از ثروتی که از طریق مقامش به دست آورده بازخواست کن و او را به خواری بکشان و داغ خیانت بر پیشانی‌ش بنشان و حلقه ننگ تهمت به گردنش ببازیز».

۵. ابعاد و قلمروهای حریم خصوصی در فقه

در آیات متعددی از قرآن کریم بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است و همچنین، در سنت و سیره‌ی رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) که خود مصداقی بر قدمت تأکید بر حقوق خصوصی افراد نسبت به کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و حقوق بشر است؛ البته کارشناسان معتقدند که ما احکام تکلیفی که نسبت به حمایت حریم خصوصی داریم و قابلیت تبدیل به احکام وضعی داشته‌اند، غالباً مورد غفلت قرار گرفته‌اند. نکته‌ی مهم اینکه موضع اسلام در مواجهه با مقوله‌ی حریم خصوصی، موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» است؛ یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوء ظن و منع اشاعه‌ی فحشا و منع سب و هجو و قذف و نیمه و غیبت و خیانت در امانت حمایت شده است (انصاری، ۱۳۹۸: ۸۳)؛ البته فقها و علمای معاصر به صورت مشخص با عنوان حریم خصوصی در کتب خود اشاره‌ای ندارند ولی به صورت پراکنده و در استفتائات خود به رعایت حریم مردم پرداخته‌اند از جمله اینکه امام خمینی (ره) در بدو پیروزی انقلاب و حاکمیت احکام اسلامی دیدگاه‌های خود را در نوع برخورد حاکمیت با مردم تحت عنوان فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) درباره‌ی حقوق مردم در روز ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۶۱ اعلام کرد.

۱-۵. ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش

همانطور که در آیه‌ی قرآن (۱۲ سوره‌ی حجرات) به این ممنوعیت‌ها به صراحت اشاره کرده است. همچنین، از پیامبر اکرم (ص)^۱ در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است که: "از گمان بپرهیزید، چراکه گمان، سخن را در گرداب دروغ افکند، از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر بپرهیزید از حال کسی تفتیش مکنید، از یکدیگر تعریف و تمجید کنید، بدخواه یکدیگر نباشید، کینه یکدیگر را به دل مگیرید، به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادرار زندگی کنید". امام علی (ع) نیز در نامه‌ی ۲۵۳^۲ خویش به مالک اشتر هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر

۱ «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْخَبَرِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَخَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»
 ۲ «وَلْيَكُنْ أَعْيُنُ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَسْمَانُهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَانِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ غُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَرَّهَا، فَلَا تُكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتَرْ الْعُورَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسِّرُ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سَرَّهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ. أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حَقْدٍ، وَاقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَثَرٍ، وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضَعُ لَكَ، وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِيحِينَ». "و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن‌ترین آنان در نزد تو، کسی باشد که بیش از دیگران عیب‌جوی مردم است؛ زیرا در مردم عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب‌های مردم آنچه از نظرت

انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرد، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می سازند، توصیه فرموده است.

۲-۵. ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن (۲۷ سوره ی نور و ۱۸۹ سوره ی بقره)^۱ و سنت اسلامی ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده، یعنی اول خود را معرفی کند و اذن ورود از صاحب خانه بگیرد و بعد از معرفی (استیذان) کسب رضایت و اذن صاحب منزل، وارد شود. در روایت معروف قضیه ی سمره بن جندب از مهمترین نمونه های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن خانه ی مردم دلالت می کند که پیامبر (ص) فرمود: برای حل این موضوع قاعده ی مهم فقهی: "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" وضع شد (تویسرکانی، ۱۳۷۳: ۲۴۱/۵). همچنین، از امام صادق (ع) نقل شده است که: "هرکس در منزلی مؤمنی نگاه کند، کور کردن چشمان اودر آن حال جایز است و هرکس بدون اجازه به منزلی داخل شود، خون او در آن حال برای آن مؤمن جایز است" (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۱۰۴).

۳-۵. ممنوعیت استراق بصر

فقه اسلامی سرشار از توصیه هایی در زمینه ی عدم تجاوز به حریم خصوصی اشخاص از طریق

پنهان است، مخواه که آشکار شود، زیرا آنچه بر عهده ی توسن، پاکیزه ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است، داوری کند. تا توانی عیب های دیگران را ببوشان، تا خداوند عیب های تو را که خواهی از رعیت مستور بماند، ببوشاند و از مردم گره هر کینه ای را بگشای و از دل بیرون کن و رشته ی هر عداوت را بگسل و خود را از آنچه از تو پوشیده داشته اند، به تغافل بزن و گفته ی سخن چین را تصدیق مکن، زیرا سخن چین، خیانتکار است، هرچند، خود را چون نیک خواهان وانماید".

۱. یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأذنوا و تسلموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لتعلمن تذکرون: "ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که متعلق به شما نیست وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید." (آیه ی ۲۷ سوره ی نور).

۲. یسألونک عن الأهل فقل هی مواقیف للناس والحدّ ولیس الیر بان تأتوا البیوت من ظهورها ولیکن الیر من اتقی وأتوا البیوت من أبوابها وأتقوا الله لتعلمن تغفون: "از تو درباره هلال های ماه می پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات [برای امور دنیایی و نظام زندگی] مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها وارد شوید، [چنان که اعراب جاهلی در حال احرام حج از پشت دیوار خانه خود وارد می شدند نه از در ورودی] بلکه نیکی [روش و منش] کسی است که [از هر گناه و معصیتی] می پرهیزد. و به خانه ها از درهای آنها وارد شوید؛ و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید." (آیه ی ۱۸۹ سوره ی بقره).

نگاه کردن است. به طور مثال، پیامبر (ص)^۱ فرموده‌اند: "هر کس عیبی از مسلمانی را ببیند و آن را بپوشاند، مانند کسی است که زنده به گور را نجات داده است." (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۸/۳۲).

۴-۵. ممنوعیت استراق سمع

در اسلام، استراق سمع ممنوع است. پیامبر (ص)^۲ فرموده‌اند: "هر کس که به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد، روز قیامت در گوش وی سرب داغ ریخته می‌شود" (تویسرکانی، ۱۳۷۳: ۷۴/۵).

۵-۵. ممنوعیت سوء ظن

در آیات قرآن (۱۲ سوره‌ی حجرات) و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی اسلام (ع) سوء ظن منشأ و ریشه‌ی اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده است. از امام علی (ع)^۳ نقل شده است که: "رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن تا زمانی که کاری از او سر زند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی برای آن توجیه خوبی می‌یابی، گمان بد مبّر" (مجلسی، ۱۳۸۱: ۱۰۴/۲۰). همچنین، پیامبر اکرم (ص)^۴ نیز فرموده‌اند که: "همانا خداوند متعال، جان و مال مسلمان را محترم ساخته و از سوء ظن به او منع کرده است" (حرانی، ۱۳۷۶: ۵۰). نیمه، یعنی بیانی که خواه با زبان، با صورت مکتوب و با صورت‌های دیگر همانند ایما و اشاره و رمز در حق دیگری گفته می‌شود. نیمه متضمن اظهار عیب یا نقص در دیگری است. بگونه‌ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی می‌شود. سبب نیمه ممکن است وجود یک نیت سوء در شخص مرتکب نسبت به منتسب‌الیه باشد یا اظهار حسب و دوستی به مخاطب یا حتی تفرج یا فضولی کردن در امور منتسب‌الیه. شهید ثانی (زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جُبعی) می‌گوید: حقیقت نیمه عبارت است از افشا و هتک سری که دارنده‌ی آن افشای آن را بر دیگران روا نمی‌داند؛ اما غیبت که از نیمه شدیدتر است که در قرآن از آن به خوردن گوشت برادر مرده تعبیر شده است (انصاری، ۱۳۹۸: ۷۷). شیخ

^۱ «مَنْ رَأَى عَوْرَةَ فَسْتَرْهَا كَانَ كَمَنْ أَخْبَا مَوْءُوْدَةً».

^۲ من استمع الى حديث قوم و هم يقرون منه، صب في اذنك

^۳ ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مِنْهُ مَا يَغْلِيكَ، وَ لَا تَطْنُنْ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا

^۴ «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السُّوءِ».

انصاری (۱۳۸۲: ۹۴) در مورد ممنوعیت سب می‌گوید: سب مؤمنین با توجه به ادله‌ی اربعه حرام است. از امام جعفر صادق (ع)^۱ نیز نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود: "دشنام دادن به مؤمن فسق به شمار می‌رود" (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۹/۲)؛ البته بعضی از فقها سب را عبارت از منتسب ساختن یک عیب یا نقص به دیگری یا نامیدن انسان‌ها با القاب و عناوین زشت و ناپسند همچون پست، رذل، حقیر، کافر، مرتد، جذامی و سایر القاب و عناوینی دانسته‌اند که سبب ایدای خاطر و اذیت منتسب‌الیه می‌شود. بنابراین، در اینکه چه چیزی سب محسوب می‌شود باید به عرف رجوع کرد (همان: ۷۸).

۶-۵. ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر

خداوند در قرآن (آیه‌ی ۲۴ سوره نور)^۲ نه تنها دولت و اشخاص ثالث را از ورود در حریم خصوصی انسان‌ها منع کرده است، بلکه به تک تک انسان‌ها نیز دستور داده که از افشای امور و مسائلی که نوعی برای دیگران فاش نمی‌شود و کتمان آنها برتر از ابراز آنها تلقی محسوب می‌شود، خودداری کنند. همچنین، از پیامبر اسلام (ص)^۳ نقل شده است که: «همانا کسی که اشاعه‌ی فحشا می‌کند همانند کسی است که آن را به وجود آورده است.» (انصاری، ۱۳۹۸: ۷۹).

۷-۵. ممنوعیت خیانت در امانت

وفای به عهد و برگرداندن امانت در آیات قرآن (۵۸ سوره‌ی نساء)^۴ و سنت رسول خدا (ص)^۵ و ائمه‌ی اطهار (ع)^۱ توصیه شده است. امانتدار و امین مکلف است ودیعه را چه یک سخن چه مال و اموال و ... باشد، نگهداری و از تعرض و ضایع شدن آن جلوگیری کند.

^۱ سیاب المؤمن فسوق وقتاله كفرو اكل لحمه معصية وحرمة ماله كحرمة دمه

^۲ "ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الاخره و الله يعلم و انتم لا تعلمون": "کسانی که دوست دارند کارهای زشت در میان مومنان پراکنده شود، عذابی دردناک در دنیا و آخرت دارند. خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید."

^۳ «مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِيهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُسْلِمًا بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ»

^۴ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا: خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. یقیناً [فرمان بازگردانیدن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می‌کند؛ بی تردید خدا همواره شنوا و بیناست.

^۵ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ: کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴، ج ۲: ۱۰۳).

۶. ابعاد و قلمروهای حریم خصوصی در حقوق ایران

در قوانین و مقررات موضوعه‌ی حقوق ایران اگرچه به صورت صریح با عنوان حریم خصوصی اشاره نشده اما در قوانین متعدد مورد توجه قرار گرفته است و حتی به صورت تکلیفی افراد را مکلف به رعایت حریم‌های خصوصی مردم نموده و عدم رعایت را جرم‌انگاری کرده است. از جمله قوانین و مقررات مهم در زمینه‌ی محافظت از حریم خصوصی به شرح ذیل است:

۱-۶. قانون اساسی

قانون اساسی ایران در مورد حمایت از حریم خصوصی در قالب اصول خاص، فاقد صراحت می‌باشد و صرفاً این موضوع را به صورت ضمنی مورد بررسی قرار داده است.

• اصل ۲۲

اصل ۲۲ قانون اساسی مهمترین سند در مورد حریم خصوصی است که در عین موجز و کلی بودن آن به قلمرو مختلفی از حریم خصوصی توجه شده است؛ مانند حریم خصوصی معنوی (حیثیت)، حریم خصوصی جسمانی (جان) و حریم خصوصی مکانی (مسکن و شغل).

• اصل ۳۳

این اصل به صراحت عدم ورود به حریم فکری افراد و اعتقادات آنها را مورد توجه قرار داده است.

• اصل ۴۵

اصل ۴۵ قانون اساسی هرگونه تجسس را ممنوع اعلام کرده است. با اینکه این مفهوم خاص می‌باشد، ولی از طریق آن می‌توان بسیاری از مصادیق حریم خصوصی را در زمره‌ی اطلاق کلمه قلمداد کرد. مخاطبین اصل ۴۵ قانون اساسی هر دو مردم و دولت هستند. به عنوان مثال، استراق

۱ امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در نهج البلاغه تأکید می‌کنند که: خِيَانَةُ الْأَمَانَةِ مِنْ أَشْرِّ الذُّنُوبِ: "خیانت در امانت از زشت‌ترین گناهان است" (خطبه‌ی ۲۶۹).

۲ "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند".

۳ "تنش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مآخذ قرار داد".

۴ "بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون".

سمع و افشای آن می‌تواند توسط شهروندان نیز صورت گیرد، اما سایر موارد مذکور در اصل ۲۵ جزو اموری است که اصولاً نقض آنها فقط توسط دولت با امکاناتی که در اختیار دارد، امکان پذیر است.

• اصل ۱۳۹

این اصل یکی از اصول مترقی قانون اساسی است که می‌فرماید نباید حیثیت و آبروی حتی فردی که در بازداشت و زندانی است، مورد خدشه قرار گیرد.

• اصل ۲۴۰

این اصل آزادی عمل انسان‌ها را براساس حدیث معروف «لا ضَرَر و لا ضِرَار فی الاسلام»، به ضرر نرساندن به دیگری مشروط کرده است. هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. در راستای تحقق همین حقوق مصرح در قانون اساسی، علاوه بر مجازات‌هایی که برای تعرض به حریم خصوصی در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده است، قانون "احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق، در سال ۱۳۸۳ نیز قانونی تحت همین عنوان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که در آن بر حقوق متهمان و رعایت شهروندی حدود قانونی ازسوی ضابطان قضایی تأکید و به منظور اجرای آن، ستادی با عنوان هیئت نظارت قضایی تشکیل شد.

۲-۶. قانون مجازات اسلامی

در خصوص حریم خصوصی جسمانی افراد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌هایی از قبیل حبس و انفصال را برای برخی مصادیق نقض حریم خصوصی جسمانی نظیر حبس یا بازداشت غیرقانونی افراد پیش‌بینی نموده است.

• ماده‌ی ۵۸۰ تعزیرات^۱

^۱ «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

^۲ «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

^۳ «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی و بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد؛ مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی

ظاهر ماده بیانگر آن است که منزل با مسکن فرق دارد و اگرچه ممکن است با دقت بتوان تفاوت‌هایی میان آنها قائل شد، مثل اینکه گفته شود منزل برای محل سکونت موقت و مسکن، برای محل سکونت دائمی به کار می‌رود، اما این دو واژه مترادف هستند.

• ماده‌ی ۵۸۲ تعزیرات^۱

در خصوص حق حریم خصوصی ارتباطی ماده‌ی ۵۸۲ ضمانت اجرای هر کیفری مناسب پیش‌بینی نموده است.

• ماده‌ی ۶۴۸ تعزیرات^۲

در ماده‌ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، مرتکب باید از جمله افرادی باشد که به مناسبت شغل یا حرفه محکوم می‌شوند، خود، محرم اسرار شده‌اند. به عبارت دیگر، باید حصول علم آنان به اسرار اشخاص به اعتبار، اطمینان و اعتمادی باشد که مردم در مراجعات خود به آنها دارند. لزوم حفظ این حریم علاوه بر آنکه در قرآن در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی نور و روایات مورد تأکید قرار گرفته، قوانین کشورمان نیز در موارد متعددی به صورت پراکنده و مصداقی، حمایت خود را از آن به منصفه ظهور گذاشته است.

۳-۶. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی

از مهمترین قوانینی که اخیراً در مورد حقوق شهروندی تصویب شده است، «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳» است که بر حقوق اصحاب دعوا و

از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته، مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق امر اجرا خواهد شد؛ و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۱ "هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا مبدوم یا بازرسی^۱ یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه‌ی صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد و به این مراسم و مخابره گفته‌اند، نوشته‌های مکتوبی است که برای ارسال از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر در داخل یا خارج از کشور به صورت تلگرام یا سیم یا بی‌سیم، تلکس، تله تایپ و فاکس به ادارات و مراکز مخابراتی داده می‌شود."

۲ "اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه‌ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند."

وظیفه‌ی ضابطان و مقامات قضایی و دیگر مقامات دولتی در خصوص رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان و حمایت از حریم خصوصی آنان، تأکید داشته است. در حال حاضر، حساسیت در لزوم رعایت مفاد قانون مزبور در واحدهای قضایی و انتظامی با عنایت به پیگیری‌هایی که از طرف مسئولان قضایی صورت می‌گیرد و دستورالعمل‌هایی که در این خصوص صادر شده، بیشتر از سایر قوانین احساس می‌شود (مجاهد، ۱۴۰۰: ۷).

۴-۶. قانون آیین دادرسی کیفری ایران

اهمیت آیین دادرسی کیفری، به ویژه بر صاحب‌نظران مسائل جنایی پوشیده نیست تا آنجا که گفته‌اند چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهادهید و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی‌های فردی و ارزش و اعتباری که جامعه برای آن قائل است باشید، کافی است به قانون آیین دادرسی توجه به اصول کلی حقوق کیفری و دادرسی کیفری آن مراجعه کنید (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰). نظیر اصل برائت و حاکمیت آن و توجه به کرامت انسان‌ها و حرمت حریم خصوصی آنها از جمله علل اصلی تدوین آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

• ماده‌ی ۱۴

اولین ماده از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بوده که به دفاع از حریم اشخاص پرداخته است. قانونگذار در این ماده نیز بر اساس اصل ۳۷ قانون اساسی اصل را بر برائت گذاشته است، یعنی همه‌ی افراد در ابتدا بی‌گناه محسوب می‌شوند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود؛ همچنین، در این ماده با استناد به اصول ۲۲، ۲۵، ۳۲ و ۳۳ قانون اساسی تأکید شده است که هرگونه اقدام در خصوص سلب آزادی، اشخاص در مراحل رسیدگی محتاج حکم قانون است؛ یعنی صدور قرارهای تأمین از جمله قرار بازداشت یا سایر قرارهایی که به علت عدم امکان و توانایی متهم منتهی به بازداشت می‌شود، باید مستند قانونی داشته باشد که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ مستندات قانونی لازم را در این خصوص ارائه نموده است.

^۱ "اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی جایز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید بگونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند".

• ماده‌ی ۱۳۷

ماده‌ی ۱۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری ورود به منزل و بازرسی از آن را صرفاً در زمان وجود ظن قوی مبنی بر کشف متهم یا آلات جرم مجاز دانسته است. این ماده بیان می‌دارد که: "تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین، تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.

• ماده‌ی ۱۵۰

ماده‌ی ۱۵۰ جواز کنترل تلفن افراد را محدودتر کرده و صرفاً در مواردی که کنترل تلفن مرتبط با امنیت کشور یا یا مرتبط با جرایم مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی مستلزم یک سوم دیه یا بیشتر می‌باشد، مجاز دانسته است.

• ماده‌ی ۱۵۲

در مورد حریم ارتباطی و مصونیت مکاتبات و مراسلات، ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری نیز، بازرسی این موارد را مشروط به احراز ظن قوی به کشف جرم، آن هم توسط قاضی و تفتیش در حضور متهم دانسته است.

۵-۶. قوانین مربوط به جرایم رایانه‌ای و فضای مجازی

حریم خصوصی در قوانین مربوط به جرایم رایانه‌ای و فضای مجازی نیز مانند سایر قوانین پیش‌بینی شده است، ولی به صورت مدون و منسجم نیست. عدم تبیین مرزهای حوزه‌ی عمومی در فضای مجازی و سایبری و ابهام در محدوده و قلمرو این حوزه و همچنین، آگاهی کمتر کاربران این عرصه در مورد حفاظت از حریم خصوصی خود، باعث افزایش نقض حریم خصوصی افراد در این حوزه می‌گردد. عمده‌ترین قانون در راه حفظ حریم خصوصی در عرصه‌ی رایانه، قانون جرایم رایانه‌ای است که مصوب سال ۱۳۸۸ می‌باشد و به بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی اضافه گردیده است. در این قانون در مواد مختلفی حریم خصوصی مورد حمایت قرار

گرفته که مهمترین آن ماده‌ی ۴۸^۱ است که برابر تبصره‌ی آن محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره‌شده نظیر پست الکترونیکی یا پیامک، در حکم شنود است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که حتی در صورتی که مستلزم رعایت مقررات مربوطه شود و از لحاظ تکنولوژیکی امکان دسترسی به محتوای پست‌های الکترونیکی میسر گردد، از لحاظ قانونی بدون حکم مقام مجاز قضایی نمی‌توان این محتواها را کنترل و مطالعه کرد.

با توجه به حساسیت این امر قسمت عمده‌ی دغدغه‌ی مدافعان حریم خصوصی در ایفای نقش پلیس به عنوان ضابط قضایی بروز می‌کند. حقوق شخصی که به عنوان متهم در اختیار پلیس قرار می‌گیرد، چالش برانگیز است. از سویی دیگر، متهم و حتی مجرم، دارای حقوق ویژه‌ای است که برآمده از حقوق شهروندی است. رکن پیش نیاز مهمی که مجریان قانون موظفند برای مقابله با تهدیدهای سایبری به برپایی آن کمک کنند و به آن پایبند باشند، قوانین و مقررات لازم‌الاجرا است. در واقع، همانطور که از نام این گروه پیدا است، آنان مجری قانون هستند و نه واضع آن یا به صورتی اقدام کنند که به آرای شخصی خودشان عامل باشند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۷: ۴۳).

قانونمندسازی اقدامات مجریان قانون در مجموعه‌ی قوانین موسوم به آئین دادرسی کیفری یا نظایر آن نباید این استنباط را برانگیزد که آنها از مجموعه‌ی قوانینی که بر ماهیت امور کیفری متمرکز هستند، بی‌نیاز هستند؛ بلکه موظفند در حوزه‌ی تخصصی خود به آنها نیز تسلط یابند. تنها رعایت مقررات واجب‌الرعا‌یه‌ی تحصیل‌شده، قابل استناد و ارائه به مراجع قضایی است. هر چند برخی بر این باورند که بسیاری از اطلاعات خصوصی شهروندان که در اختیار پلیس قرار دارد، می‌تواند بدون مجوز افراد در دسترس دولت گذارده شود و تمایل دولت‌ها به این اطلاعات به دلیل کنترل همه‌جانبه بر زندگی مردم است (حبیبزاده، ۱۳۹۲: ۴۷). از این رو، احتمال مصون ماندن حریم خصوصی در فضای سایبری به دلیل نظارت همه‌گیر دولت با تردیدهای جدی روبه‌رو می‌شود.

^۱ ماده ۴۸: شنود محتوای در حال انتقال ارتباط غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود (تبصره: دسترسی به محتواهای غیرعمومی ذخیره شده نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوطه است).

۶-۶. حمایت از حریم خصوصی در قانون تجارت الکترونیک

مورد دیگری که حریم خصوصی افراد در آن مورد حمایت قرار گرفته است، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ است که در موادی از آن تحت عنوان «حفاظت از داده-پیام در بستر مبادلات الکترونیکی» بر لزوم رعایت حریم خصوصی فعالان حوزه تجارت الکترونیک تأکید کرده است (سوادکوهی، ۱۳۸۲: ۶).

• ماده‌ی ۵۸^۱

این ماده بررسی پیام‌های شخصی را فقط در صورت رضایت اشخاص مجاز دانسته است؛ البته انتقاد وارده بر این ماده آن است که تحصیل و تحلیل داده‌های دیگران و ورود به بحث بدون انتشار آنها مستوجب ضمانت اجرای این قانون نمی‌باشد که البته باید اذعان داشت از امتیازات این قانون وضع و تعیین مجازات در مواردی است که حریم خصوصی افراد در قالب مبادلات الکترونیکی از سوی نهادهای دولتی یا غیردولتی مورد تجاوز قرار می‌گیرد.

• ماده‌ی ۶۲^۲

این ماده از قانون تجارت الکترونیک حمایت از اسرار تجاری را مورد تأکید قرار داده و بدین وسیله حفاظت از حریم خصوصی تجاری افراد را ضروری می‌داند.

• ماده ۶۴

در ماده‌ی ۶۴ آمده است: "به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا

^۱ «ذخیره، پردازش و یا توزیع داده-پیام‌های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، یا دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و (داده-پیام‌های) راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است».

^۲ «حق تکثیر، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۰۹/۰۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۰۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۰۴، به صورت «داده پیام» منحصرأ در اختیار مؤلف است. کلیه-ی آثار و تألیفاتی که در قالب «داده-پیام» می‌باشند، از جمله اطلاعات، نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای، ابزار و روش‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع، حق طراحی، حق مؤلف، حقوق مرتبط با حق مؤلف، حمایت از پایگاه‌های داده، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی^۳ و حمایت از اسرار تجاری، مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۰۴/۰۱ و آئین‌نامه‌ی اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷/۰۴/۱۴ خواهد بود، منوط بر آن که امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد».

افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید^۱.

• ماده ۶۵

برابر مادهی ۶۵ این قانون «اسرار تجاری الکترونیکی شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم افزارها و برنامه‌ها، ابزار و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرآیندها، تألیفات منتشرنشده، روش‌های انجام تجارت و دادوستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال اینها است که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است».

۷-۶. حریم خصوصی در قانون مدنی

در قانون مدنی نیز موضوع حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته و در چندین ماده به آن اشاره شده و حفاظت از آن تضمین شده است (سوادکوهی، ۱۳۸۲: ۵).

• مادهی ۱۹۷

این ماده اجازه می‌دهد که شخصی که از قبل حق ورود به ملک دیگری را برای بردن آب یا عبور داشته وارد حریم دیگری شده و صاحب ملک و در واقع صاحب حریم حق منع او را ندارد.

• مادهی ۹۸

برابر مادهی ۹۸: «اگر کسی حق عبور در ملک غیر ندارد؛ ولی صاحب ملک اذن داده باشد که از ملک او عبور کنند، هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر اِرتِفاقات».

• مادهی ۱۰۰

برابر مادهی ۱۰۰ «اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و در مجری خرابی بهم رسد به نحوی که عبور آب موجب خسارت خانه شود مالک خانه حق ندارد صاحب مجری را به تعمیر

^۱ ۹۷ «هرگاه کسی از قدیم در خانه یا ملک دیگری مجرای آب به ملک خود یا حق مرور داشته صاحب‌خانه یا مالک نمی‌تواند مانع آب بردن یا عبور او از ملک خود شود و همچنین است سایر حقوق از قبیل حق داشتن در شبکه و ناودان حق شرب و غیره».

مجری اجبار کند بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگر خرابی مجری مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند در این صورت برای تعمیر مجری می‌تواند داخل خانه یا زمین شود ولیکن بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر به اذن صاحب ملک

• ماده‌ی ۱۳۶

در قانون مدنی در ماده‌ی ۱۳۶ در مبحث املاک چنین آمده است: «حریم، مقداری از اراضی اطراف ملک، قنات، نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد». علاوه بر موارد ذکر شده در مواد ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۹ این قانون نیز به رعایت حریم خصوصی افراد اشاره کرده است.

۸-۶. لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی

لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی نیز در جهت نهادینه نمودن حق حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق افراد تنظیم شده است. در این لایحه، انسان‌ها بنا بر فطرت خود، قلمروهایی را محدوده‌ی خصوصی خویش می‌دانند و در آن پناه می‌گیرند. لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی در ۷ فصل و ۸۳ ماده به تعاریف و کلیات، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی در محل کار و حریم خصوصی در دو بخش اطلاعات و ارتباطات و نیز مسئولیت‌های ناشی از نقض این حریم‌ها می‌پردازد. بر اساس بند ۱ ماده‌ی ۲ این لایحه، حریم خصوصی افراد قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن افراد یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارند تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند و بر آن نظارت نکنند و یا به اطلاعاتی راجع به آن دسترسی نداشته باشند و آن شخص را در قلمرو وی مورد تعرض قرار ندهند. بنابراین، تعریف البسه، جسم، اشیای همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار و اطلاعات شخصی و ارتباطات صوتی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند.

فصل دوم لایحه در چهار بند به حریم خصوصی جسمانی افراد پرداخته است. در این فصل تأکید شده است: «کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های ملازم با آن مصون از تعرض است و هیچکس را نمی‌توان قبل از دستگیری یا پس از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد مگر بر طبق قانون». بر اساس این تعریف، ضوابط بازرسی بدنی از روی لباس و در آوردن لباس، تفتیش

اندام‌های داخلی انسان و نیز مقررات مشترک در زمینه‌ی حریم خصوصی جسمانی افراد مشخص شده است. بر اساس لایحه‌ی حریم خصوصی، اماکن خصوصی و منازل مصون از تعرض هستند و هیچکس نمی‌تواند بدون رضایت مالک یا متصرف قانونی وارد مکان خصوصی یا منزل فرد شود.

مطابق ماده‌ی ۱۸ فصل سوم این لایحه، در زمینه‌ی حریم خصوصی اماکن و منازل، کار گذاشتن هر نوع وسیله پایش در اماکن خصوصی و منازل افراد بدون رضایت متصرف قانونی آنجا ممنوع است. ماده‌ی ۲۰ این لایحه نیز تصریح کرده است که مجوز ورود به اماکن خصوصی و منازل آنها تنها در صورت وجود ظن قوی مبنی بر ضرورت این عمل مثل جلوگیری از وقوع جرم یا کشف متهم، آلات، ادوات، ادله‌ی جرم و یا جلوگیری از معدوم شدن ادله مربوط صادر می‌گردد. آن هم در صورتی که امکان تحقق اهداف یاد شده از سایر طرق قانونی فراهم نشده باشد. در فصل سوم این لایحه، توضیحات مبسوطی درباره‌ی اختیارات ضابطان قضایی برای تفتیش منازل و اماکن خصوصی فرد ارائه شده است. مطابق ماده‌ی ۲۲ لایحه‌ی فوق چنانچه ضابطان در اجرای دستور مقام قضایی وارد مکان خصوصی یا منزل شوند، مکلفند در چارچوب مجوز صادره عمل کنند و عدول از آن نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود. ماده‌ی ۲۵ لایحه نیز تصریح کرده است: «بازرسی و تفتیش اطلاعاتی که در هر نوع منبع اطلاعاتی افراد ذخیره شده است، تابع مقررات حاکم، بازرسی و تفتیش اماکن خصوصی و منازل خواهد بود».

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ماهیت فقهی و حقوقی حریم خصوصی در ایران با رویکردی تحلیلی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفت. از منظر فقه اسلامی، اگرچه اصطلاح «حریم خصوصی» به صورت صریح در متون فقهی ذکر نشده است، اما مصادیق متعددی از آن در قالب احکام و قواعدی مورد تأکید قرار گرفته است. این احکام نشان‌دهنده‌ی توجه عمیق اسلام به کرامت انسانی و ضرورت حفظ حریم شخصی افراد است. با این حال، برخی فقها معتقدند ادله‌ی موجود، صرفاً جنبه‌ی سلبی دارند و نمی‌توان از آنها اصل کلی حریم خصوصی را استنباط کرد. در مقابل، عده‌ای دیگر با استناد به آیات قرآن، روایات، و سیره‌ی معصومین (ع)، حریم خصوصی را به عنوان یک حق فطری و شرعی مورد پذیرش قرار داده‌اند. در حقوق ایران نیز حمایت از حریم خصوصی پراکنده و فاقد قانون جامع است. قوانین موجود بیشتر موردی بوده و گاه با مصالح عمومی در تعارض هستند. بنابراین، تدوین قانونی یکپارچه با تعریف دقیق حریم خصوصی، ضمانت‌های اجرایی مؤثر

و سازوکارهای نظارتی می‌تواند این خلأ را پر کند. در نهایت، ترکیب مبانی فقهی با اصول حقوق مدرن و توجه به تحولات فناوری، زمینه‌ساز تقویت حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران خواهد بود.

ادله فقهی استنباط‌شده از آیات و روایات (مانند نهی از تجسس، استراق سمع، و سوءظن) عمدتاً جنبه‌ی حکمی تکلیف‌محور دارند و نه حق‌محور. این احکام، ناظر به تنظیم روابط اجتماعی و حفظ تعادل جامعه هستند و نه اعطای حق مثبت و اسقاط‌پذیر به افراد. به عبارت دیگر، این احکام، تکالیفی برای دیگران ایجاد می‌کنند تا وارد حریم افراد نشوند، اما حق قابل اسقاط برای صاحب حریم محسوب نمی‌شوند. برای مثال، حتی با رضایت فرد، افشای اسرار یا تجسس در مواردی (مانند غیبت) مجاز نیست. نظام فقهی ایران، مبتنی بر اصالت ولایت و تقدم مصالح عمومی بر حقوق فردی است. موارد متعدد فقهی (مانند جواز جاسوسی برای حکومت، منع احتکار، و محدودیت‌های تجاری) نشان می‌دهد که حریم خصوصی در تقابل با اختیارات حاکم اسلامی قرار دارد و در موارد بسیاری، مصلحت جامعه بر آن ارجحیت می‌یابد. این امر، امکان شکل‌گیری یک «حق مستقل و مطلق» برای حریم خصوصی را با چالش مواجه می‌سازد.

قوانین ایران (از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون جرائم رایانه‌ای، و قانون آیین دادرسی کیفری) اگرچه به صورت پراکنده به مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند، اما فاقد تعریف جامع، دامنه شمول مشخص، و ضمانت اجرای مؤثر هستند. این پراکندگی، به‌ویژه در مواجهه با فناوری‌های نوین (مانند نظارت دیجیتال) منجر به نقض سیستماتیک حریم خصوصی شده است.

برای تقویت حمایت از حریم خصوصی در چارچوب فقهی و حقوقی ایران، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تدوین قانون جامع حریم خصوصی:

 - تعریف دقیق «حریم خصوصی» و تعیین قلمرو آن در حوزه‌های جسمانی، اطلاعاتی، ارتباطی، و مکانی.
 - پیش‌بینی ضمانت اجرای مدنی و کیفری مؤثر برای نقض حریم خصوصی توسط دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی.
 - تأسیس نهاد ناظر مستقل (مانند مرکز ملی حریم خصوصی) برای نظارت بر اجرای قانون و رسیدگی به شکایات.

۲. بازخوانی فقهی با رویکرد حق محور:

- بازتفسیر ادله فقهی (مانند نهی از تجسس و استراق سمع) با تأکید بر کرامت انسانی و حقوق شهروندی به جای صرف تکالیف شرعی.
- توسعه دکترین «مالکیت اطلاعات شخصی» در فقه امامیه بر اساس قاعده تسلیط و احترام به حق مالکیت.

۳. شفاف سازی و تحدید اختیارات دولت:

- تصویب آیین نامه های شفاف برای نظارت دولتی (مانند کنترل ارتباطات و دسترسی به داده ها) با الزام به صدور حکم قضایی و اعلام عمومی آمارهای نظارتی.
- ایجاد «کمیته های اخلاقی» در نهادهای امنیتی و قضایی برای نظارت بر فعالیت های نظارتی.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مدنی ایران
- قانون مجازات اسلامی
- قانون احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی
- قانون آیین دادرسی کیفری
- قانون جرایم رایانه ای و فضای مجازی
- قانون تجارت الکترونیک
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ه.ق). من لایحضره الفقیه (جلد ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آشتیانی، جلال الدین. (۱۴۰۳ ه.ق). تحقیقی در دین مسیح. (ج ۲). تهران: نشر نگارش.
- آملی، محمد تقی. (۱۴۱۳ ه.ق). المقاصد العلیه فی شرح العروة الوثقی. (ج ۱۷). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- انصاری، باقر (۱۳۹۸). حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت.

- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۳۸۲). المکاسب. قم: اسماعیلیان.
- تویسرکانی، محمدنبی بن احمد. (۱۳۷۳). لثالی الاخبار (جلد ۵). قم: مکتبه علامه.
- جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۷). جنبه‌های حقوقی اقدامات کیفری بین‌المللی مجریان قانون در قبال جرایم سایبری. مطالعات پیشگیری از جرم، (۴۲۸)، ۷۲-۳۹.
- حائری یزدی، مهدی. (۱۴۰۳ ه.ق). حکمت و حکومت. تهران: انتشارات تمدن نوین اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ ه.ق). وسائل الشیعه (جلد ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۸). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ه.ق). شرائع‌الإسلام (جلد ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۸۵). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- سوادکوهی، سام. (۱۳۸۲). تحلیلی بر مقررات جزایی در ایران. دادرسی، (۴۲)، ۱۰۰-۶۹.
- ساریخانی، عادل؛ موسوی، محمد. (۱۳۹۰). قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۶، ۸۱-۱۰۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان (ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی). قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه (جلد ۳ و ۶). تصحیح: محمدتقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه.
- غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۱۹ ه.ق). حاشیه کتاب المکاسب (جلد ۱). مشهد: انتشارات محقق.
- کاظمی خراسانی، احمد. (۱۴۰۹ ه.ق). لفوائد المذنبیه (در تکمله فوائد الرضویه) (جلد ۴). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی (ج ۲ و ۳). تحقیق: علی‌اکبر غفاری. قم: دارالحدیث.
- مجاهد، افشین. (۱۴۰۰). رویکردی تطبیقی بر حریم خصوصی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، (۱۲۴)، ۲۷-۷.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸۱). بحارالانوار (جلد ۳، ۴، ۷، ۷۲، ۱۰۴). قم: مکتبه الاسلامیه.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). القواعد الفقهیة. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). ترجمه روان فارسی قرآن مجید. تهران: دارالقرآن الکریم.
- نائینی، محمدحسین. (۱۴۲۴ ه.ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. تحقیق و تعلیق: سیدجواد ورعی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد ۳۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- یزدی، سید مصطفی (محقق داماد). (۱۴۰۶ ه.ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- Fang, S., & Gong, H. (2020). What happens after young adults' "friending" of parents? A qualitative study about mediated family communication and privacy management in China. *Mobile Media & Communication*, 8(3), 299–317.
<https://doi.org/10.1177/2050157919879730>
- Segrin, C., & Flora, J. (2018). Family communication (3rd ed.). Routledge.